

Novel Studies of Law and Environment

ORIGINAL ARTICLE

Environmental asylum: a new phenomenon in international law

Masoud khadimi¹

1- Assistant Professor,
Department of Law, Payame
Noor University, Tehran, Iran.

Email:

M_khadimi@pnu.ac.ir

Abstract

One of the challenging issues in the field of modern international law is the emergence of a new type of refugees that has been forced to leave their country for reasons of environmental risk and climate change consequences. This population shift is one of the most prominent signs of a lack of security that is both a cause and a consequence of that and one of the most significant human hazards. The international asylum system today needs serious attention to prevent and protect environmental refugees affected by the increasing speed of environmental degradation and climate change. The purpose of this research, using a descriptive method of documentary analysis, is to provide a definition of environmental refugees to identify them in international law due to seek a legal framework in international documents and procedures to support them. Our main question is what the concept of environmental refugees is and what is their legal status in international documents and procedures? The findings indicate that no explicit definition of this category of refugees is found in the international documents and procedures, but can be implicitly identified from regional documents as well as legal doctrines. The rights that environmental refugees can provide in international documents and procedures are embodied in both the asylum legal system and the international human rights system. Since it is not always possible to support individuals by their governments, the effectiveness of a priori and aesthetic approaches to protecting environmental refugees also requires acceptance of shared responsibility by different countries based on human dignity and fundamental human rights.

keywords

Environmental Refugees, Climate Change, Human Security, Environmental Law.

«مطالعات نوین حقوق و محیط زیست»

«مقاله پژوهشی» پناهندگی زیست محیطی؛ پدیده‌ای نوین در عرصه حقوق بین‌الملل

مسعود خدیمی^۱

چکیده

یکی از مسائل چالش‌برانگیز در عرصه حقوق بین‌الملل نوین، بروز نوع جدیدی از پناهندگی است که بر اساس دلایلی مانند مخاطرات زیست محیطی و پیامدهای تغییرات اقلیمی، انسان‌ها را برای ادامه حیات و یا تامین بهتر مولفه‌های رفاهی، مجبور به ترک سرزمین می‌کند. جابجایی جمعیتی از برجسته‌ترین علامات فقدان امنیت می‌باشد که هم سبب و هم نتیجه آن است و از مهم‌ترین مخاطرات بشری است. نظام بین‌الملل پناهندگی امروزه به دلیل سرعت فزاینده تخریب محیط‌زیست و نیز تغییرات اقلیمی نیازمند ورود جدی در جهت پیشگیری و حمایت از آسیب‌دیدگان پناهندگی زیست محیطی است. هدف این پژوهش که با روش توصیفی از نوع تحلیل اسنادی صورت گرفته، ارائه تعریفی از پناهندگان زیست محیطی در حقوق بین‌الملل در جهت جستجوی چارچوبی حقوقی در اسناد بین‌المللی برای حمایت از آن‌ها می‌باشد. سوال اصلی ما این است که مفهوم پناهندگی زیست محیطی چیست و وضعیت حقوقی آنان در اسناد و رویه بین‌المللی چگونه است؟ یافته‌ها حاکی از آن است که تعریف صریحی از این دسته پناهندگان در اسناد بین‌المللی یافت نمی‌شود ولی به‌طور ضمنی می‌توان از اسناد منطقه‌ای و نیز دکترین حقوقی آن‌ها را مورد شناسایی قرار داد. حقوق پناهندگان زیست محیطی در اسناد و رویه بین‌المللی در دو قالب نظام حقوقی پناهندگی و نظام بین‌الملل حقوق بشر تعبیه شده است. از آنجا که همیشه نمی‌توان برای حمایت از افراد به دولت متبوع آن‌ها بسنده کرد، لذا کارآمدی رهیافت‌های پیشینی و پسینی حمایت از پناهندگان زیست محیطی مستلزم پذیرش مسئولیت مشترک از سوی کشورهای مختلف، مبتنی بر کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر است.

کلیدواژه‌ها:

پناهندگان زیست محیطی، تغییر اقلیم، امنیت بشری، حقوق محیط‌زیست.

۱- استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام

نور، تهران، ایران.

ایمیل:

M_khadimi@pnu.ac.ir

مقدمه

مشکلات و بحران‌های محیط‌زیستی بلاشک اولین و مهم‌ترین تاثیر خود را بر روی زندگی انسان‌ها نشان می‌دهد. این تاثیر را از زوایا و جنبه‌های گوناگون می‌توان بررسی نمود. یکی از زوایای قابل بررسی در این زمینه، پدیداری مقوله پناهندگی زیست محیطی است. تغییرات آب و هوایی و پیامدهای زیست محیطی دیگر، موجب مهاجرت‌های داخلی و خارجی ساکنین یک منطقه در ابعاد وسیع می‌گردد و آنان را تبدیل به پناهندگان زیست محیطی می‌نماید و منجر به بی‌ثباتی منطقه و بروز مشکلاتی برای خود آنان و گاه درگیری مسلحانه میان مهاجران و ساکنان بومی می‌گردد. همچنین سبب بروز تنش‌های عمیق و مشکلات عدیده‌ای برای مناطق و کشورهای پذیرنده شود و حتی ترکیب جمعیتی مناطق مختلف را تغییر دهد و موجبات نقض بسیاری از حقوق بشر را فراهم نماید. امروزه تغییرات آب و هوایی در کنار سایر عوامل مخرب محیطی انسان‌ساز نظیر جنگ، تخریب تدریجی محیط و توسعه بی‌رویه، مسئول پناهندگی میلیون‌ها نفر بر روی زمین است. در واقع مهاجرت به دلیل تغییرات آب‌وهوایی و مخاطرات زیست محیطی برای برخی، تنها گزینه واقع‌بینانه برای زنده ماندن می‌باشد و برای گروهی که از مناطق تحت تاثیر خشکسالی یا سیل مهاجرت می‌کنند ممکن است یک اقدام احتیاطی برای زنده ماندن محسوب گردد. این روند منجر به ظهور پدیده پناهندگی زیست‌محیطی شده است. به صورت شفاف‌تر این عبارت یک توصیفی است در رابطه با افراد یا گروهی از افراد که به دلیل شرایط وخیم ناشی از تغییرات آب و هوایی از مرزهای شناخته شده بین‌المللی عبور کرده‌اند یا تمایل به عبور دارند. آن‌ها در حقیقت به دلیل اختلالات زیست‌محیطی اعم از انسانی یا طبیعی که منجر به کاهش کیفیت زندگی و امنیت زیست‌محیطی آن‌ها شده است برای دستیابی به شرایطی که دسترسی بیشتری را برای آن‌ها تضمین کند از سکونت‌گاه سنتی خود مهاجرت می‌نمایند. (Kolmannskog, Vikram Odedra, 2018:5) این همه در حالی است که تاکنون مهم‌ترین مصادیق پناهندگی را می‌توان در پناهندگی سیاسی و یا ناشی از مخاصمات مسلحانه یافت که در اسناد بین‌المللی راجع به پناهندگی هم به‌وضوح قابل مشاهده است. با مشاهده مشکلات زیست محیطی در اقصی نقاط دنیا پناهندگی زیست محیطی پدیده‌ای نو و جدید ارزیابی می‌گردد که می‌تواند در صورت عدم توجه و یا در نظر نگرفتن تمهیدات مناسب جهت مدیریت آن در آینده‌ای نه چندان دور جهان را با یک بحران بین‌المللی مواجه نماید. پدیده پناهندگی زیست محیطی از جهات گوناگون در فرایند توسعه اختلال ایجاد می‌کند؛ ایجاد فشار مضاعف بر ساختارهای شهری، جلوگیری از پیشرفت اقتصادی به علت تحمیل هزینه، افزایش تقابل فرهنگی و نامناسب بودن امکانات بهداشتی، فرهنگی و آموزشی که می‌توان در اختیار این پناهندگان قرار داد. مسئله پناهندگی زیست محیطی مانند سایر مسائل محیط‌زیستی، دارای ابعاد فرامرزی بوده و همبستگی جهانیان را می‌طلبد.

(James C. Hathaway, 2015: 12) این پژوهش در راستای دستیابی به اهداف متعددی انجام خواهد شد. هدف اصلی در این پژوهش بررسی و تبیین وضعیت حقوقی پناهندگان زیست محیطی در اسناد و رویه بین‌المللی است. پناهندگانی که مجبور می‌شوند سرزمین و خانه و کاشانه خود را ترک کرده و در آن سوی مرزها در پی زندگی و حقوق خود باشند. امروزه در رسانه‌های گوناگون درباره تغییرات آب و هوایی و پیامدهای گوناگون آن اخباری شنیده می‌شود. دانشمندان، سیاستمداران و حقوقدانان همگی از منظری به بررسی این پدیده و ابعاد آن می‌پردازند. در سطح بین‌المللی و به‌ویژه میان حقوقدانان توجه بیشتر معطوف به تاثیر احتمالی این پدیده و آثار آن بر حقوق بشر شد و در این زمینه حداقل در طول دو دهه گذشته تحقیقات گوناگونی در سطوح ملی و بین‌المللی صورت گرفته است. شایسته است که در این خصوص به زاویه دیگری از بحث، تحت عنوان پناهندگان زیست محیطی پرداخته شود. فایده عملی بحث در این است که با توجه به اینکه پناهندگی زیست محیطی پدیده‌ای رو به رشد در قرن ۲۱ می‌باشد و هنوز تمهیداتی برای شناسایی و حمایت از آن‌ها صورت نگرفته، بررسی ابعاد این موضوع در رابطه با تاثیرپذیری و تاثیرگذاری‌هایش و تلاش‌هایی که تاکنون صورت گرفته ضرورتی انکارناپذیر دارد و زمینه روشن‌تری برای جلوگیری و کاهش این‌گونه آثار پیش‌رو قرار می‌دهد که این خود می‌تواند مبین ضرورت تحقیق و بررسی در این حوزه باشد تا بتواند گامی موثر در راستای حل این معضل فزاینده بین‌المللی بردارد. سوالاتی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آنهاست، به شرح ذیل مطرح می‌شوند. مفهوم پناهندگی زیست محیطی چیست و چه عواملی باعث بروز این پدیده می‌شوند؟ وضعیت حقوقی پناهندگان

زیست محیطی در اسناد و رویه بین‌المللی چگونه است؟ در مورد پناهندگی در ادبیات حقوقی داخل و خارج از ایران به‌وفور تحقیقاتی صورت گرفته که هر یک به ابعاد مختلفی از مقوله پناهندگی و از جمله پناهندگی زیست محیطی به طور کلی پرداخته‌اند. بونی دوچرتی و تایلر جیانانی (۲۰۰۶)، از فعالان علمی حقوق بشر در مقاله «پیشنهادی برای کنوانسیون پناهندگان تغییرات اقلیمی»، به شاخصه‌های تعیین وضعیت پناهندگان اقلیمی، حمایت‌های حقوق بشری، کمک‌های بشردوستانه، مسئولیت دول میزبان و مهمان، همکاری‌های بین‌المللی، صندوق جهانی، نهاد هماهنگ‌کننده و تشریک مساعی دانشمندان متخصص پرداخته‌اند. کاترین میریام وایمن (۲۰۱۹)، استاد دانشگاه نیویورک در مقاله «پاسخ‌هایی به مهاجرت‌های اقلیمی»، به زمینه‌های مهاجرت اقلیمی پرداخته و دو شکاف بزرگ حقوقی و بودجه‌ای را در حل این موضوع مشاهده می‌کند. وی با اشاره به اخلاق، کارکرد و احتمالات سیاسی به‌عنوان محدودیت‌های راه‌حل‌ها اشاره دارد و در نهایت معتقد است که باید اسناد جدید حقوقی چندجانبه‌ای نظیر کنوانسیون پناهندگی برای مهاجران اقلیمی بازتعریف و تصویب شود. حمید نظری تاج‌آبادی (۱۳۶۹)، در کتاب «بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی» به سوابق تاریخی و انگیزه‌های پناهندگی در دنیای غرب، ایران و اسلام پرداخته و ضمن ارائه تعریفی از پناهنده و پناهندگی به تشریح حقوق پناهندگان مبادرت ورزیده و کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان را نهادی ارزشمند در حقوق پناهندگان شناخته و در ادامه به کودکان و زنان پناهنده و مهاجرین پناهجوی قاچاقی در دریا اشاره دارد. جواد صفایی (۱۳۷۴)، در کتاب «توسعه و تحول حقوق پناهندگان» بعد از ذکر تاریخچه‌ای از پناهندگی در تمدن‌های باستانی و مسیحیت و اسلام به پناهندگی در گذر زمان پرداخته و تحولات این پدیده را در برخی از کشورها بر شمرده است. فاطمه کیهان‌لو (۱۳۹۰)، در کتاب «پناهندگی نظریه‌ها و رویه‌ها» با بیان دلایل پناهندگی به رویکردهای حمایت از پناهندگان، دیدگاه‌های قضایی ملی و منطقه‌ای چون دادگاه اروپایی حقوق بشر پرداخته و بعد از مطرح کردن دلایل پناهندگی، عضویت در یک گروه اجتماعی و طرز تفکر سیاسی را برجسته‌تر از همه شناخته و رایج‌ترین موارد دعاوی پناهندگان در محاکم قضایی را به صورت خلاصه بر شمرده است. ابراهیم موسی‌زاده و رزیتا کهریزی (۱۳۹۶)، مولف کتاب بررسی و تحلیل حقوق پناهندگی در نظام داخلی و حقوق بین‌الملل به تشریح موضوع مهاجرت، پناهنده و حقوق پناهندگان پرداخته و نقد کنوانسیون حقوق پناهندگی ۱۹۵۱ مدنظر قرار داده است. محسن عبداللہی (۱۳۸۹) در مقاله «تغییرات آب و هوایی؛ تاملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی سازمان ملل متحد» تثبیت و کاهش گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با تغییرات آب و هوایی را به عنوان سه خط‌مشی سازمان ملل متحد در مواجهه با تغییرات آب‌وهوایی ارزیابی می‌کند. سید فضل‌الله موسوی و معصومه‌سادات میرمحمدی (۱۳۹۲) در مقاله «تغییرات جوی: تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» به نوعی به پدیده پناهندگی زیست‌محیطی اشاراتی داشته و همکاری جمعی همه کشورهای عضو جامعه بین‌المللی را مهم‌ترین راه‌حل معضل پناهندگان بر شمرده‌اند. حسین آل کجباف (۱۳۹۳) در مقاله «وضعیت حقوقی پناهندگان زیست محیطی و عوامل آن در حقوق بین‌الملل» به تعریف پناهنده و پناهندگان زیست محیطی پرداخته و علل و عوامل بروز این پدیده را از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار داده‌اند. مع‌الوصف، پژوهشی که تاکنون به‌طور خاص، پناهندگی زیست‌محیطی را در گستره تخریب محیط‌زیست و تغییرات آب‌وهوایی بررسی کرده باشد و در نهایت چارچوب حقوقی آن‌ها را در نظام پناهندگی و حقوق بشر ارائه کرده باشد، مشاهده نشده است. سعی این پژوهش بر آن است تا بتواند در این موضوع نوآوری داشته و به نحو جامع به موضوع پناهندگی زیست محیطی ورود نماید تا به ادبیات حقوقی در این زمینه غنا بخشیده شود. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات نظری بنیادین و روش آن، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تحلیل اسنادی است. رویکرد پژوهشی نیز با عنایت به عمده تحقیقات در عرصه حقوق بین‌الملل، کیفی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. این پژوهش، مبتنی بر شواهد اخذ شده از مطالعه اسنادی بوده که غالباً شامل اطلاعات، یافته‌ها و نتایجی است که توسط نویسندگان و محققان قبلی در حوزه مورد بحث گرد آمده‌اند. این روش شامل شناسایی و مطالعه منابع علمی موجود، از جمله مقالات و کتاب‌های مرتبط با مقوله پناهندگی زیست‌محیطی، شناسایی و راهکارهای حمایت از حقوق پناهندگی زیست‌محیطی و سایت‌های معتبر سازمان‌های بین‌المللی فعال در عرصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و سپس فیش‌برداری، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های گردآوری شده و در پایان پاسخ به سؤالات پژوهش و نتیجه‌گیری می‌باشد.

۱- تعریف پناهنده در اسناد بین‌المللی

به منظور شناخت پدیده پناهندگی زیست محیطی ابتدا به بررسی تعریف واژه پناهنده در اسناد جهانی و منطقه‌ای پرداخته خواهد شد. بعد از معرفی وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل به شکاف‌های موجود در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان به منظور حمایت از پناهندگان زیست محیطی پرداخته می‌شود. در اینجا به بررسی کامل مواردی که فقدان آن‌ها در کنوانسیون ۱۹۵۱ موجب شکاف در رژیم حقوقی پناهندگان می‌شود با استناد به اسناد بین‌المللی مرتبط پرداخته می‌شود.

۱-۱- اسناد جهانی

پیشینه تدوین و انعقاد توافقنامه‌های بین‌المللی درباره پناهندگی را می‌توان از زمان تشکیل کنگره‌ها و کنفرانس‌ها و رواج انعقاد معاهدات دو و چندجانبه در پایان قرن نوزدهم دانست. از مهم‌ترین تلاش‌هایی که جهت حمایت از حقوق پناهندگان در سطح بین‌المللی صورت پذیرفته است، می‌توان به تصویب «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱» و «پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان ۱۹۶۷» اشاره کرد که این دو معاهده الزام‌آور به‌طور خاص به مسأله پناهندگی و حقوق پناهندگان پرداخته‌اند. با به تصویب رسیدن پروتکل، محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی آن برداشته شد و محدوده فعالیت‌های کنوانسیون توسعه یافت. (Horne Brooke, 2006:6)

۱-۱-۱- تعریف پناهنده در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان

کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگان، مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه پناهندگان است، چرا که تاکنون بهترین سندی است که تعریفی مفصل از پناهندگی ارائه نموده است. (James C. Hathaway, 2015: 92) بر اساس بند ۲ (الف) ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگان، پناهنده به کسی اطلاق می‌گردد که «در نتیجه حوادث قبل از یکم ژانویه ۱۹۵۱ و به دلیل ترس موجه از تعقیب و آزار به علت ملیت، نژاد، مذهب، عضویت در گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی، در خارج از کشور متبوع یا محل اقامت خود به سر می‌برند و قادر یا مایل به بازگشت به آن نیست یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برند و نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد». بنابراین در قوانین داخلی و بین‌المللی، کسی به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته می‌شود که نیازمند حمایت در خارج از کشور متبوع یا محل سکونت در خصوص افراد فاقد تابعیت باشد و نتواند یا نخواهد از حمایت کشور مبدأ خود برخوردار گردد. لذا برای شخصی که به عنوان یک پناهنده محسوب می‌شود، چهار مولفه باید مشاهده شود.

(McAdam, Jane, 2012: 44)

اولاً؛ ترس پناهنده باید موجه باشد. ثانیاً؛ آزار و اذیت باید در عداد یکی از پنج زمینه تصریح شده باشد (نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی یا عقاید سیاسی). ثالثاً؛ دولت متبوع باید قادر به حمایت از شهروند خود نباشد و رابعاً؛ فرد پناهجو باید از مرزهای بین‌المللی شناخته شده عبور کرده باشد. پناهنده در موازین بین‌المللی به عنوان شخصی که از آزار و اذیت فرار کرده و در کشور خود تحت هیچ حمایتی نمی‌باشد، شناخته می‌شود. بنابراین پناهندگان به‌عنوان افرادی که نیاز واقعی به حمایت بین‌المللی دارند دیده می‌شوند و دارای یک وضعیت حقوقی خاص همراه با حقوق و تکالیف صریح و واضحی می‌باشند. (Kolmannskog Vikram, 2009: 25) کنوانسیون پناهندگان همچنین شامل حمایت خاصی برای پناهندگان می‌باشد، مبنی بر اینکه هیچ یک از دول متعاهد به هیچ نحو پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به پنج دلیل ذکر شده، زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید. این ممنوعیت، به عنوان اصل عدم‌اجبار به بازگرداندن یا منع بازگشت اجباری شناخته شده است و یکی از پایگاه‌های مهم و جدی مفهوم پناهندگی است. شایان توجه است که در این زمینه پیشرفت‌هایی وجود داشته است. کمیساریای عالی پناهندگان در سال ۱۹۹۳ چهار دلیل را برای پناهندگی نام برده است که شامل تنش‌های اقتصادی، جنگ‌های قبیله‌ای، بی‌ثباتی سیاسی و تخریب محیط‌زیست می‌باشد. (Lonergan Steve, 1998: 5) این ادعا که تخریب محیط‌زیست دلیل اصلی جریان پناهندگی می‌باشد، سبب افزایش شمار نظریات درباره ارتباط بین تخریب محیط‌زیست و جابجایی مردم شده که یک گام مثبت به سوی حمایت حقوقی از پناهندگان زیست محیطی است.

۱-۲-۱- خلاء و شکاف موجود در تعریف پناهنده

جین مک آدام پژوهشگر حقوق بین‌الملل و تغییرات محیط‌زیستی و جابجایی جمعیتی اشاره می‌کند که حقوق بین‌الملل پناهندگی برای حمایت از افراد جابجا شده تحت‌تاثیر تغییرات محیط‌زیستی، چارچوبی ناکافی و دست و پاگیر است و این که حقوق بین‌الملل پناهندگی برای زمینه‌ای متفاوت طراحی شده و محتوای آن دارای قلمرو محدودتری از آن است که بخواهد مساله پناهندگان زیست محیطی را دربرگیرد. کنوانسیون برای این که کسی پناهنده به حساب آید زمینه‌های خاصی را به‌استثنای پناهندگان زیست محیطی ترسیم می‌کند. (McAdam, Jane, 2012: 44) اکثریت پژوهشگران اذعان می‌کنند که هیچ‌گونه مقرراتی تدوین و تصویب نشده است تا به مردم آواره ناشی از تغییرات زیست محیطی عنوان پناهندگی را اعطا کند. (Kolmannskog, Vikram Odedra, 2018:25-26) دامنه رژیم پناهندگان خیلی مضیق‌تر از آن است که بتواند طبقات مختلفی از مردم را که به دلیل عوامل زیست محیطی انسان‌ساز یا طبیعی آواره شده‌اند را دربرگیرد. البته بدهی است که خلاء موجود در حمایت از پناهندگان زیست محیطی تنها محدودیت در زمینه رژیم پناهندگان نیست. کمیساریای عالی پناهندگان تحت فشار کشورهای پناهنده‌پذیر است تا فعالیت‌ها و منابع خود برای افراد تحت صلاحیتش محدود کند.

(Kibreab, Gaim, 1997: 118) برخی محققان معتقدند که عناصری از آزار و اذیت و تبعیض در بلایای طبیعی به خصوص بعد از سونامی سال ۲۰۰۴ داریم. (Kibreab, Gaim, 1997: 32) مشاهده کردن حالت آزار و اذیت، مستلزم قصد آسیب‌زدن و یا عدم جلوگیری از آسیب دیدن می‌باشد. لذا به نظر نمی‌رسد عبارت پناهنده برای تعریف مردمی که توسط عوامل زیست محیطی پناهنده شده‌اند مناسب باشد، مگر اینکه طبیعت یا محیط‌زیست به عنوان آزارگر در نظر گرفته شود. در حقیقت در تعریف پناهندگان زیست محیطی یک خلاء وجود دارد و این فاصله سبب عدم حمایت بین‌المللی از این افراد می‌شود. مثلاً شهروندان کشورهای جزیره‌ای کم‌ارتفاع نمی‌توانند اثبات کنند که دولت‌هایشان مسئول بالآمدن سطح آب یا جاری شدن سیل‌های پیاپی در سرزمین‌شان هستند. این یک مشکل جمعی در طبیعت است که در آن همه کشورها و همه مردم، معمولاً مسئول و در عین حال، قربانیان تخریب محیط‌زیست هستند. با این حال مک آدام اشاره می‌کند که تلاش‌هایی صورت گرفت تا استدلال کنند که در تغییرات اقلیمی میزانی از آزار و اذیت وجود دارد. اما این بحث‌ها به دلیل فقدان عنصر «تبعیض» مدت طولانی دوام نیاورد. (McAdam, Jane, 2012: 43) علاوه بر این برخی محققان، نتیجه‌گیری می‌کنند که گنجاندن پناهندگان زیست محیطی در کنوانسیون ۱۹۵۱، خطر تنزل ارزش حمایت از پناهندگان را به‌دنبال دارد.

(Heather, Tess; Hodgkinson, Lucy, 2010:43) همچنین، عده‌ای استدلال می‌کنند که تلاش برای توسعه تعریف پناهنده به ازدیاد تعداد پناهندگان منجر می‌شود. (Williams, 2008:509) ناگفته پیداست که حداقل این دو استدلال اخیر نمی‌تواند مانعی متقن بر سر گستراندن چتر حمایتی در قالب پناهندگی زیست محیطی بر سر افرادی باشد که لاجرم و متأثر از تخریب محیط‌زیست یا تغییرات اقلیمی جابجایی را برمی‌گزینند. با این وجود، ضمن تاکید بر اهمیت کنوانسیون ۱۹۵۱، باید اذعان کرد که شرایط پیرامونی زمان تصویب این معاهده از همه ابعاد به سر آمده و کمینه در دو عرصه دستخوش تحول شده است. تحول اول در تعداد پناهندگان در اقصی نقاط دنیا به نحوی که امروزه هیچ نقطه‌ای از دنیا مصون از جابجایی انبوه جمعیت‌ها نیستند و تحول دوم در ریشه‌ها و عوامل این جابجایی است که به اشکال پیچیده‌ای درآمده است. در تحلیل وضعیت حقوقی پناهندگان دیگر دانستن اینکه افراد در معرض آزار و اذیت قرار دارند اهمیتی ندارد، آنچه مهم است ارزیابی شرایط نومیدانه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است که باعث جابجایی جمعیت‌ها می‌شود. این شرایط به هنگام ترکیب با فشار جمعیت و تخریب روزافزون منابع و محیط‌زیست، زمینه بروز خشونت و مخاصمات را فراهم می‌سازند. برای موارد خاص کشورهای جزیره‌ای کوچک و کم‌ارتفاع که در معرض خطر غرق شدن قرار دارد، با یک شکاف حمایتی شدید در نظام حقوقی کنونی برای افراد بی‌وطن روبرو هستند. برخی محققان در مورد ناکافی بودن قوانین حمایتی کنونی سازمان ملل برای پناهندگان زیست محیطی هم‌عقیده هستند، چراکه این اسناد فقط پناهندگان سیاسی را دربرمی‌گیرند. (Biermann; Ingrid, 2008:11) جابجایی به دلیل تغییرات محیط‌زیستی یک مکانیسم واقعاً پیچیده است، که در آن آب و هوا تنها یکی از چند عامل مرتبط در کنار عوامل بیشتری است. هنگام بحث در مورد مهاجرت به علت تغییرات تدریجی در محیط‌زیست مانند بالا آمدن سطح آب، افرادی که امرار معاش آن‌ها وابستگی زیادی به منابع طبیعی دارد با خطر بزرگی روبرو می‌شوند و پشتیبانی ضعیفی دارند.

(Bernett; Webber, 2010:39)

۱-۱-۳- قابلیت اعمال کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان زیست محیطی

۱-۱-۳-۱- تحلیل کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان

کنوانسیون ۱۹۵۱ دارای یک تعریف از پناهندگان است که پناهندگان زیست محیطی به طور صریح تحت شمول آن نیستند. یکی از مهم‌ترین عناصر این کنوانسیون که در زمینه پناهندگی زیست محیطی می‌توان بحث کرد مساله آزار و اذیت است. طرفداران برای گنجاندن این گروه در کنوانسیون استدلال کرده‌اند که تأثیرات ناشی از تغییرات اقلیمی مانند بالا آمدن سطح دریا، فرسایش ساحلی و افزایش بلاهای ناگهانی موجب آزار و اذیت می‌گردد. یقیناً، اثرات تغییر اقلیم شدید و گاهی کشنده است اما هیچ مقصر ثابت شده‌ای برای تغییرات اقلیمی وجود ندارد. ساکنان کشورهای در حال غرق که خواهان رفتاری متفاوت نسبت به هم‌وطنان خود به مثابه مکانیسمی برای دریافت پناهندگی می‌باشند تا حد زیادی ناموفق بوده‌اند چرا که آن‌ها برای اثبات تبعیض در یکی از پنج زمینه نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک خاص اجتماعی گروه یا عقیده سیاسی ناموفق بوده‌اند. کشورهای میزبان استدلال می‌کنند که همه شهروندان با مشکلات مشابه روبرو هستند که عوامل طبیعی در درجه نخست، مسئول این امر می‌باشند. علاوه بر این، تغییرات اقلیمی به نحو غیرقابل تبعیضی بر روی تمامی کشورهای جهان تأثیر می‌گذارد اما بعضی کشورها به دلیل موقعیت جغرافیایی که دارند بیشتر متاثر می‌شوند و این پدیده براساس ملیت یا گروه قربانیان خود را گزینش نمی‌کند. رد کردن شمولیت پناهندگان زیست محیطی به عنوان پناهنده اقلیمی در کنوانسیون پناهندگان به اشکال متفاوتی ظاهر می‌شود، مردم کشورهای جزیره‌ای اقیانوس آرام به‌طور جدی با عبارت پناهنده اقلیمی به‌دلیل معنای منفی که با آن همراه است مخالف هستند به نظر آن‌ها این اصطلاح، درون پوششی از حس درماندگی و فقدان کرامت می‌باشد. این دید مطلق احتمالاً می‌تواند از حس قوی و سنتی آن‌ها باشد که از غرور و افتخار اقیانوس آرام مشتق شده است. (Arnör, 2013: 28) البته این منطق که انسان‌ها از یک اصطلاح و انتساب به آن گریزان باشند نیز نمی‌تواند از استحکام عقلانی برخوردار باشد. چه بسا در پی این انتساب بتوانند از گزینه‌های حقوقی بین‌المللی بیشتر و مطمئن‌تری بهره‌مند گردند. پر واضح است که خوشایند و عدم خوشایند مخاطبان قواعد حقوقی معیار و سنجه مطلوبی جهت تدوین و تصویب آن‌ها نیست.

۱-۱-۳-۲- تحلیل جایگاه رویه قضایی در اعمال کنوانسیون ۱۹۵۱ بر پناهندگان زیست محیطی

در سال‌های بعد از تصویب کنوانسیون ۱۹۵۱، رویه قضایی کشورهای پناهنده‌پذیری که منافع‌شان به نحو خاصی از وضعیت پناهندگی تحت تأثیر قرار گرفته است و از این رو همکاری آن‌ها در ایجاد رویه، تمهیدات لازم جهت احراز آن را فراهم می‌کند،^۱ به‌عنوان «رویه بعدی» از تعریف پناهنده در موارد مبهم، رفع ابهام نموده است. تأثیر این رویه در تکمیل و متمیم تمهیدات قراردادی، در اغلب آراء مشورتی و توافقی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز تأیید شده است.^۲ لذا می‌توان گفت رویه عرفی ناشی از آراء دادگاه‌ها، مکمل ترتیبات کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان در تعریف پناهنده محسوب می‌شود. پر واضح است که این عرف، در برابر آن کشورهای عضو کنوانسیون پناهندگان که این رویه را تأیید نکرده‌اند قابل استناد نیست؛ اما این امر دلیلی بر انکار رویکرد حقوق بشری بر رویه قضایی داخلی این کشورها نسبت به تعریف پناهنده در کنوانسیون ۱۹۵۱ نیست، همانطور که بلاشک در شناسایی عرف بین‌المللی هم موثر خواهد بود. این ارزش‌های حقوق بشری هستند که راهنمای بنیادین دادگاه‌ها و کنشگران حقوق بین‌الملل در تعریف پناهنده و دلایل آن واقع می‌شوند و در پناه آن‌ها می‌توان پناهندگان زیست محیطی را ذیل

^۱ ICJ Reports, North Sea Continental Shelf Cases, (1969), para. 81.

^۲ ICJ Reports, Corfu Channel Case, (1949), P.25; ICJ Reports, Temple of Preah Vihear, (1962), PP. 33-35; ICJ Reports, Certain Expenses of the United Nations, Advisory Opinion, (1962), PP.157, 160, 161& 172-175; ICJ Reports, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), (1984), paras. 36-47; ICJ Reports, Territorial Dispute (Libyan Arab Jamahiriya/ Chad), (1994), paras. 66-71; ICJ Reports, Legality of the Use by a State of Nuclear weapons in Armed Conflicts, Advisory Opinion, (1996), paras.19; ICJ Reports, Case Concerning Kasikili/ Sedudu Island, (Botswana/ Namibia), (1999), paras. 49-50; ICJ Reports, case concerning Oil Platforms, (Islamic Republic of Iran v. United States of America), (2003), para. 158; ICJ Reports, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, (2004), para. 158.

کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان تعریف نمود و آنان را از حمایت‌های آن برخوردار کرد. در این باره در سال ۲۰۱۳ آقای یوان تیتیتوتا^۳ یک شهروند اهل جزیره کیریباتی که از زمره جزایر کوچک و کم‌ارتفاع در حال غرق می‌باشد در کشور نیوزلند تقاضای پناهندگی زیست محیطی خود را به دلیل ترس ناشی از غرق شدن کشورش ارائه می‌دهد، که متأسفانه به دلیل عدم ارائه دلیلی مبتنی بر دلایل پنج‌گانه کنوانسیون ۱۹۵۱ و نیز نگرانی محکمه نیوزلند از این جهت که مبدا با پذیرش این درخواست راه برای هجوم سیل پناهندگان باز شود، از پذیرش در خواست وی خودداری می‌نماید. (Swapnil, 2017: 28) اما پس از تقاضای تجدیدنظر با توجه به رسوخ ارزش‌های حقوق بشری در حوزه پناهندگی و نیز تفسیر موسع از عضویت در گروه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از ادله پناهندگی در کنوانسیون ۱۹۵۱، تقاضای وی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. همچنین سابق بر این، محاکم استرالیا نیز در سال ۱۹۹۴ تقاضای مشابهی را پذیرفته بودند.^۴ در حال حاضر نیز با توجه به اخبار خوشایندی که از رویکردهای نوین محاکم در این باره در برخی کشورها مثل فرانسه و سوئد شنیده می‌شود، می‌توان به این امر امیدوار بود که پناهندگان زیست محیطی که ترس‌شان از مورد آزار قرار گرفتن، در محدوده دلایل پنج‌گانه کنوانسیون ۱۹۵۱ نمی‌گنجد- هر چند دلیل ترس پناهندگان زیست محیطی طی سایر اسناد و موازین حقوق بشری ممنوع گردیده است- نیز به‌صراحت تحت پوشش این کنوانسیون قرار بگیرند. با این وصف، به نظر می‌رسد ضمن تایید نظر پژوهشگرانی که تعریف پناهنده را در کنوانسیون ۱۹۵۱ رافع نیازهای فعلی جامعه بین‌المللی نمی‌دانند، رویه قضایی دادگاه‌های داخلی کشورهای پذیرنده پناهندگان زیست محیطی به‌خوبی می‌تواند این تعریف را با تحولات جاری هم‌خوان نماید و از مفاهیم مبهم به کار برده شده در تعریف، در جهت انطباق آن با مصادیق جدید پرونده‌های پناهندگی مثل پناهندگی زیست محیطی سود جوید. شایان ذکر است که رویه قضایی در این راه، در کنار دیگر عوامل، از دکترین بسیار تاثیر پذیرفته است. (کیهان‌لو، ۱۳۹۰: ۳۷۹) همانگونه که در مباحث آتی این پژوهش مطرح خواهد شد، تعریف پناهندگان زیست محیطی نیز در ادبیات دکترین محور حقوق بین‌الملل از غنای کافی برخوردار است.

۲-۱- اسناد منطقه‌ای

در اینجا به دو سند منطقه‌ای پرداخته می‌شود، چرا که هدف آن است تا نشان داده شود که چگونه تعریف پناهنده در کنوانسیون‌ها می‌تواند متفاوت باشد و چگونه می‌توان دامنه آن را گسترش داد.

۱-۲-۱- کنوانسیون منطقه‌ای اتحادیه آفریقا ۱۹۶۹ در مورد برخی جنبه‌های مسائل پناهندگان

جالب توجه آنکه به‌رغم سیاست‌های انقباضی و محدودکننده کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین تعریف فراگیرتری از تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ ارائه داده‌اند. سران کشور آفریقایی در کنوانسیون منطقه‌ای اتحادیه آفریقا ۱۹۶۹ خود، در مورد برخی جنبه‌های خاص مسائل پناهندگان در آفریقا به منظور عینی‌تر نمودن بعضی از ملاحظات تعریف زیر را به تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ افزودند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۱: ۴۲۱) و دامنه تعریف پناهنده را توسعه دادند: «هر شخصی که به دلیل تجاوز خارجی، اشغال، تسلط بیگانگان یا هر واقعه‌ای که به‌طور جدی نظم عمومی تمام یا بخشی از کشور اصلی یا متبوع خود، وادار به ترک کشور اصلی برای یافتن پناهگاهی در کشور دیگری غیر از کشور اصلی یا متبوع خود گردد». همچنین بر اساس کنوانسیون سال ۱۹۶۹ اتحادیه آفریقا، کسی که ممکن است در خطر بازگشت به شرایط اختلال شدید در نظم عمومی باشد به جای ترس جدی‌تر از آزار و اذیت تحت حمایت قرار می‌گیرد. (Junnilla, 1395: 11)

۲-۲-۱- اعلامیه کارتاژینا ۱۹۸۴ کشورهای آمریکای لاتین

همچنین در سال ۱۹۸۴ یک گروه از نمایندگان دولتی، دانشگاهیان و وکلای برجسته و تراز اول از آمریکای لاتین در شهر کارتاژینای کلمبیا تشکیل جلسه دادند و آنچه را که اکنون اعلامیه کارتاژینا^۵ نامیده می‌شود تصویب نمودند که علاوه بر سایر مسائل، مواد عینی‌تری را نیز علاوه بر تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ دربر می‌گرفت و خواستار توسعه‌ای همانند کنوانسیون آفریقایی در مفهوم پناهنده شدند. این اعلامیه موارد زیر را نیز مشمول کنوانسیون ۱۹۵۱ دانست: «افرادی که زندگی، امنیت یا آزادی آنها

³ Ioane Teitiota.

⁴ Aus, FCA, Mohammed Matahir Ali V. Minister of Immigration, (1994).

⁵ OAU Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problem in Africa, (1969).

⁶ Cartagena Declaration on Refugee, (1984).

با خشونت شایع و گسترده، تعرض خارجی، درگیری‌های داخلی، نقض گسترده حقوق بشر یا سایر مواردی که در نظم عمومی به‌طور جدی اخلال ایجاد می‌کنند مورد تهدید قرار گرفته است». که این تعریف هم مشابه تعریفی است که در کنوانسیون اتحادیه آفریقا دیده می‌شود. هرچند که این اعلامیه به مانند سایر اعلامیه‌ها نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر در سلسله مراتب حقوق بین‌الملل برای دولت‌ها لازم‌الاجرا نیست و صرفاً جنبه اعلام موضع دارد، اما کشورهای آمریکای لاتین نیز این تعریف را به‌عنوان موضوعی کاربردی بکار می‌برند و برخی دیگر این تعریف را در قوانین داخلی خود گنجانده‌اند. که البته این دو تعریف اخیر در قالب اقدامات منطقه‌ای برای حمایت از پناهندگان جای می‌گیرد. اساس هر دوی آن‌ها تعریف پناهنده در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان می‌باشد برای تحت پوشش قراردادن مردمی که به‌دلیل اخلال شدید در نظم عمومی از کشورشان فرار کرده‌اند. احتمالاً، توصیف وضعیتی که نظم عمومی در آن به شدت مختل شده و از نظر بین‌المللی شناسایی شده است می‌تواند افرادی را که به خاطر مسائل محیط‌زیستی از کشورشان فرار کرده‌اند را تحت پوشش قرار دهد.

۲- رهیافت‌های پوشش حقوقی پناهنده زیست محیطی در اسناد بین‌المللی

مع‌الاسف، مقررات و سیاست‌گذاری قابل قبولی برای پناهندگان زیست محیطی وجود ندارد. در مورد این پناهندگان ما با دو خلاء عمده مواجه هستیم که یکی از آن‌ها شکاف بودجه و دیگری معضلات حقوقی است که هنوز راه‌حلی برای آن‌ها وجود ندارد. (Wyman, 2013:167) پناهندگان زیست محیطی نمی‌توانند به‌طور صریح، با استفاده از موازین پناهندگی امروزی حمایت شوند. بر این اساس، تا کنون رهیافت‌های مختلفی برای حمایت و صیانت از حقوق آنان مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۲-۲- گسترش تعریف کنونی پناهنده برای دربرگرفتن پناهندگان زیست محیطی

با توجه به تعریف پناهنده، که ریشه‌های آن از یک سند بین‌المللی متعلق به سال ۱۹۵۱ گرفته شده است، درک اینکه چگونه می‌توان محدوده اصطلاح پناهنده را گسترش داد تا افرادی را که به دلایل محیط‌زیستی خانه‌های خود را ترک کرده‌اند را دربرگیرد مشکل است. (Horne Brooke, 2006:6) چندین پیشنهاد برای گنجاندن پناهندگان زیست محیطی توسط کنوانسیون ۱۹۵۱، از طریق توسعه مفهوم پناهنده وجود دارد. یکی از پیشنهادات در مورد گسترش تعریف پناهنده به موازات خطوط حقوق بشر است. پیشنهاد دیگر تحت عنوان اصلاح رژیم پناهندگان ارائه می‌شود.

۲-۲-۱- توسعه تعریف پناهنده

کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان تصدیق می‌کند که اطلاق پناهندگی به انسان‌ها از نقض حقوق بشر منتج می‌شود. از آنجا که پنج عنصر مذکور در تعریف، همه حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند، این کنوانسیون می‌تواند حق امنیت را که در اعلامیه مزبور می‌باشد شناسایی کند. بنابراین، پیشنهاد توسعه تعریف بوسیله بخش‌هایی از حقوق بشر اولی خواهد بود. پیشنهاد شده که تعریف را به «هر کسی که مجبور به ترک خانه و کاشانه خود به دلیل تخریب محیط‌زیست است» گسترش دهند. (Kibreab, Gaim, 1997: 121) با این حال به نظر می‌رسد که این تعریف بسیار مبهم و سطحی باشد. برای گسترش باید حوزه شناسایی تعریف و عوامل تخریب محیط‌زیست به وضوح به تصویر کشیده شوند و شرایط روشن گردد. برخی پژوهشگران معتقدند که توسعه تعریف پناهنده به منظور پوشش پناهندگان زیست محیطی ممکن است به آسانی ضرورت گسترش نرم سیاست حقوق بشر را گریزناپذیر کند. آن‌ها می‌گویند: «از آنجا که تعریف ۱۹۵۱ پناهندگان به شدت با مفاهیم حقوق بشر در هم تنیده است و پناهندگان زیست محیطی مانند هم‌تایان سنتی خود شایسته داشتن حقوق اساسی و برآورده شدن حقوق‌شان می‌باشند استفاده از مفاهیم حقوق بشر برای گسترش تعریف پناهنده درخواستی طبیعی است». (Cooper, 1998:6) هورن^۷ اشاره می‌کند که مخالفت جدی از سوی کشورها برای توسعه تعریف پناهنده موجود در کنوانسیون ۱۹۵۱ وجود خواهد داشت. وی به عنوان نخستین اثر وضعی گسترش، دلیل این مقاومت را به صورت زیر شرح می‌دهد: «چنین توسعه‌ای سبب کاهش حمایت امروزی برای پناهندگان می‌شود. در مرحله دوم، هر توسعه‌ای در تعریف پناهنده در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان به منظور پوشش دادن تمامی پناهندگان زیست محیطی منجر به سرازیر شدن سیلی از پناهندگان می‌شود که تاکنون تحت حمایت جامعه بین‌المللی نبوده‌اند». (Horne Brooke, 2006:8-9) در مورد نخستین استدلال، می‌توان گفت، زمانی که اصطلاح پناهنده

⁷ Horne.

زیست محیطی دو زمینه قربانی فاجعه و پناهندگان را ترکیب می‌کند، خطر تضعیف برخی از جنبه‌های مهم حمایت از پناهندگان بروز می‌کند. از آنجا که محیط زیست ممکن است مستلزم یک فضای بدون سیاست باشد استفاده از اصطلاح پناهندگان زیست محیطی ممکن است کشورهای پذیرنده پناهنده را ترغیب کند تا برای کاهش مسئولیت خود برای کمک و حمایت، با آن‌ها مانند مهاجران اقتصادی رفتار کنند. (Piguet, 2008:3) این چشم‌انداز مهمی است زیرا زمینه‌هایی از جدی‌ترین «اثر جانبی» را مطرح می‌کند. که از گسترش کنوانسیون موجود ناشی می‌شود. از طریق توسعه، بی‌میلی کشورهای پناهنده‌پذیر افزایش می‌یابد و ممکن است مرزهای خود را ببندند. مفهوم پناهنده زیست محیطی در کنوانسیون پناهندگان می‌تواند توسط کشورها به‌عنوان یک توجیه برای محدودسازی سیاست‌های پناهندگی استفاده شود و اوضاع برای مهاجران غیرارادی محیط‌زیستی بوسیله نگرش‌ها و سیاست‌هایی که علیه آن‌ها می‌باشد سخت‌تر شود. (Kibreab, Gaim, 1997: 21) برای استدلال دوم، پر واضح است که کشورهای توسعه‌یافته از سرازیر شدن سیل پناهندگان واهمه دارند. با پایان جنگ سرد، تغییر توجه از رقابت فوق‌العاده قدرت به مساله محیط‌زیست به‌عنوان یک علت بالقوه برای جنگ و مهاجرت‌های اجباری مشاهده می‌شود و به این ترتیب موضوع جدیدی برای مطالعات امنیتی ایجاد شده است. امنیتی کردن موضوع تغییرات اقلیمی و محیط‌زیست ممکن است برای متبادر کردن این پدیده به ذهن تصمیم‌گیرندگان و قرار دادن آن در دستور کار بین‌المللی موثر باشد. با این حال، امنیت امروزی می‌تواند به توسعه حوزه‌های جدید قابل‌اجرا برای نگرانی‌های نظامی کمک کند. در گفتمان شمال به جنوب، امنیت زیست محیطی به‌عنوان مجموعه‌ای از مسائل زیست محیطی در نظر گرفته می‌شود. عدم توسعه‌یافتگی جنوب از طریق انفجار جمعیت، درگیری‌های خشونت‌آمیز، کمبود منابع و مهاجرت دسته‌جمعی باعث تهدید فیزیکی رفاه شمال می‌گردد.

(Kolmannskog, Vikram Odedra, 2018:9-10) بنابراین انتساب میلیون‌ها نفر از انسان‌ها به پناهندگی می‌تواند موجب عدم تمایل طرفین برای موافقت در مورد این توسعه مفهومی شود. علاوه بر این استدلال شده است که حمایت ارائه شده برای پناهندگان در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان بسیار خاص است و حقوق بشر بین‌المللی و اسناد زیست محیطی موجود برای پناهندگان زیست محیطی حاوی چنین حمایتی نیستند. بنابراین برای گسترش تعریف موجود از پناهندگان به منظور پوشش پناهندگان زیست محیطی باید از موازین و ابزار حقوقی جدیدتری استفاده کرد. ضمناً، درحالی که نگرانی‌هایی در مورد ارائه راه‌حل و اثرات آن مشاهده می‌شود توسعه صرف تعریف، که شامل حمایت از پناهندگان زیست محیطی گردد نتیجه‌ای ندارد. این تحلیل ممکن است لزوم توجهی فراتر از مکانیسم کنونی پناهندگی را گریزناپذیر کند تا اطمینان حاصل کنند که همه ابعاد بنیادین، اصلاح شده‌اند. (Horne Brooke, 2006:10) با این توصیف به نظر می‌رسد تلاش‌های دکترین کمک شایان توجهی در بستر سازی و تعمیق مفهوم پناهندگی زیست محیطی و بالتبع حمایت‌های حقوقی مورد نیاز این دسته از گروه‌های بشری نماید. هر چند رویه قضایی بین‌المللی همچون آرا دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر مراجع بین‌المللی حقوق بشری را نباید از نظر دور داشت.

۲-۲-۲- گسترش از راه اصلاح کنوانسیون

پیشنهاد دوم برای توسعه تعریف پناهنده در سال ۲۰۰۶ در نشست مالدیو اظهار شد. در این نشست پیشنهاد شد برای گسترش دامنه رژیم پناهندگان سازمان ملل متحد به منظور پوشش افرادی که به دلایل محیط‌زیستی آواره شده‌اند یک اصلاحیه تدوین شود. (Biermann; Ingrid, 2008:11) این روش به لحاظ سیاسی غیر عملی محسوب شده است. زیرا نظام حقوقی پناهندگان سازمان ملل متحد در حال حاضر به‌طور مداوم توسط کشورهای صنعتی برای محدود نگه‌داشتن تفسیر شرایط آن، تحت فشار بوده است. لذا بسیار بعید است که کشورها بپذیرند حمایت به پوشش یک گروه جدید که بسیار بزرگتر از آنهایی هست که تاکنون تحت کنترل سازمان ملل بوده است. از سوی دیگر سایر اندیشمندان این حوزه، موافق اصلاحیه بالقوه کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان به منظور اضافه کردن یک طبقه جدید نیستند، چرا که آن‌ها نگران تضعیف وضعیت حمایتی پناهندگان فعلی هستند.

(Renaud, Bogardi, Janos, Olivia and Warner, 2007: 34) بنابر آنچه مذکور افتاد، امروزه دیگر اصطلاح پناهنده وفق کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱، برای مقولات مستحدثه مربوط به مهاجران اجباری، مطلوب به‌نظر نمی‌رسد. بنابراین با توجه به این دیدگاه، توسعه تعریف یا اصلاح کنوانسیون به جهت بکارگیری کمک تصمیم‌گیری که با مسائل زیست محیطی و توسعه مرتبط هستند مفید خواهد بود. (Myers; Kent., 1995: 125)

۲-۳- تدوین یک کنوانسیون جدید

پیشنهادات مختلفی در مورد کنوانسیون جدید برای حمایت از پناهندگان محیط‌زیستی وجود دارد. رنود و همکاران اذعان می‌کنند که پناهندگان زیست محیطی باید توسط یک مکانیسم بین‌المللی به‌طور موثر شناسایی و حمایت شوند. این مکانیسم نیز می‌تواند از طریق یک کنوانسیون مستقل و یا توانمندسازی سازمان‌های مربوطه در نظام ملل متحد برای محافظت از مردم پناهنده زیست محیطی عملیاتی شود.

۲-۳-۱- کنوانسیون جدید با الگوبرداری از معاهده منع شکنجه

یک ساختار حقوقی همانند «کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و اهانت‌آمیز یا مجازات سازمان ملل متحد» می‌تواند برای حمایت از پناهندگان زیست محیطی و نیز اجتناب از بروز مجدد مشکلات به عنوان پیش‌نویس ارائه شود. (Horne Brooke, 2006:14) اینکه چرا کنوانسیون منع شکنجه به عنوان یک مدل در نظر گرفته می‌شود، بدین علت است که در آن رابطه بین وظایف کشورهای امضاءکننده و حقوقی که به اشخاص اعطا می‌شود متعادل است. ماده ۳ معاهده منع شکنجه این تعادل را به خوبی نشان می‌دهد. توجه به مرکز ثقل این ماده به منظور توجیه مفید بودن این کنوانسیون به مثابه راه‌حلی برای حمایت پناهندگان زیست محیطی می‌تواند مفید واقع شود. ماده ۳ کنوانسیون منع شکنجه مقرر می‌دارد: «هیچ دولت عضوی، یک فرد را به کشور دیگری که شواهد محکمی مبنی بر خطر شکنجه آن وجود دارد اخراج، بازگشت یا استرداد نخواهد کرد.» اساساً، تحت کنوانسیون منع شکنجه، بازگشت یا اخراج یک شخص به کشوری که در آن متحمل است که این شخص شکنجه شود ممنوع شده است، صرف‌نظر از اینکه آیا او مرتکب جرم شده است یا نه. این فرد باید ثابت کند که مبنای محکمی برای ترس از شکنجه وجود دارد. بر خلاف کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، تحت کنوانسیون منع شکنجه هیچ ضرورت تصدیقی برای اثبات ترس از آزار وجود ندارد و نیازی به اثبات ترس موجه از آزار در یکی از پنج‌زمینه نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی نیست. حمایت موقتی که در کنوانسیون منع شکنجه ارائه شده تا زمانی که تهدید به شکنجه باقی است، ادامه می‌یابد. ساختار حقوقی این کنوانسیون برای حمایت افراد از شکنجه و ضرورت اینکه که دولت‌های متعاقد باید تضمین کنند که ساختار قانونی داخلی کشورشان از مفاد این کنوانسیون به طور موثر حمایت می‌کند، منحصر به فرد است. (Horne Brooke, 2006:14) با بررسی حقوقی ساختار کنوانسیون منع شکنجه، ممکن است موجبات افزایش میزان پناهندگان زیست محیطی فراهم شود آن‌هم در زمانی که کشورها مجبور شوند علل اصلی تخریب محیط‌زیست را مشخص کنند. کنوانسیون به‌طور بالقوه در ابتدا پناهندگان زیست محیطی و انواع تخریب محیط‌زیست را تعریف می‌کند که متضمن یک زمینه برای طبقه‌بندی تحت کنوانسیون می‌باشد. پناهندگان زیست محیطی باید بلافاصله قابل‌شناسایی باشند، در نتیجه حمایت تنها می‌تواند به انسان‌هایی که واقعا محتاجند ارائه شود. البته ممکن است دولت‌ها نتوانند همه اختلالات زیست محیطی را ارزیابی کنند. نپرداختن به یک نوع از تخریب زیست محیطی به عنوان عامل اصلی ممکن است به معنی امتناع از حمایت افرادی باشد که نیاز مشروع به حمایت بین‌المللی دارند. (Horne Brooke, 2006:16) به‌منظور دستیابی به پیشرفت در کنوانسیون جدید، کشورها موظفند برای حمایت از پناهندگان زیست محیطی که در کنوانسیون جدید شبیه کنوانسیون منع شکنجه آمده است تمهیدات تقنینی، قضایی و اجرایی آن را اتخاذ نمایند. مقرره‌ای که می‌تواند در کنوانسیون جدید پیش‌بینی شود، به این ترتیب است: «هیچ کشوری نباید پناهندگان زیست محیطی را به کشور دیگری که به طور مسلم در معرض خطر یکی از مشکلات محیط‌زیستی لیست شده در کنوانسیون قرار دارد اخراج، استرداد یا باز گرداند.» (Horne Brooke, 2006:17) کشورها موظف به حمایت موقت از مردمی هستند که به کشورشان آمده‌اند. مانند کنوانسیون منع شکنجه، کشور پذیرنده، حق اقامت دائم را نمی‌دهد. با این حال، هنگامی که مولفه‌های موجهه حمایت، متوقف شود، کشورها ممکن است دوباره شرایط را ارزیابی کنند و اگر مشاهدات بیانگر امن بودن بود، فرد را به کشورش باز گردانند. وضعیت حمایت موقت به کاهش سردی روابط میان کشورهای تصویب‌کننده برای حمایت از پناهندگان زیست محیطی کمک خواهد کرد. بدیهی است که این نوع از معاهدات برای کشورها جذاب‌تر است و به این ترتیب با این شرایط متعادل ممکن است به استلزامات اجتماعی گسترده‌تری دست یافت. به همین دلیل بهتر است به جای قرار دادن یک ماده در مورد حمایت دائمی، به طور موقت از پناهندگان زیست محیطی حمایت شود.

۲-۳-۲- تصویب پروتکل الحاقی پناهندگان اقلیمی

طرح کلی یک سند حقوقی مستقل و نظام سیاسی ذیل یک پروتکل الحاقی برای به رسمیت شناختن، حمایت و اسکان پناهندگان ناشی از عوامل زیست محیطی پیشنهاد دیگری است که ارائه شده است. این پیشنهاد به جای پناهندگان زیست محیطی بر روی مفهوم «پناهندگان اقلیمی» تاکید دارند؛ زیرا می‌خواهند این پروتکل تقریباً از حمایت سیاسی تمام کشورهای عضو کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی برخوردار باشد. پروتکل می‌تواند «پناهندگان اقلیمی» را از طریق مرتبط کردن حمایت از آن‌ها با نظام حقوقی تغییرات اقلیمی کمک نماید. اساساً، هدف از این پروتکل باید تامین اسکان داوطلبانه و برنامه‌ریزی شده و استقرار مجدد پناهندگان در طی یک دوره زمانی طولانی به جای یک امدادسانی و واکنش اضطراری صرف باشد. البته حمایت باید به عنوان یک مساله جهانی و یک مسئولیت جهانی دیده شود (Biermann; Ingrid, 2008:12-13). در مقایسه با کنوانسیون ملهم از کنوانسیون منع شکنجه، پروتکل پناهندگان اقلیمی تنها به حمایت و مساعدت مردم پناهنده نمی‌پردازد؛ بلکه به حمایت نهادهای داخلی برای حمایت از مردم درون مرزها می‌پردازد. مهم‌ترین تفاوت بین طرح اولیه و این پروتکل که جلب توجه می‌کند آن است که حمایت و رسیدگی به مردم نیازمند، زمانی که آن‌ها پذیرفته می‌شوند دائمی خواهد بود. (Til, Nazli, 2010: 65) در نتیجه، به عنوان گزینه دوم در ادبیات مربوط به حمایت از پناهندگان محیط‌زیستی، یعنی پیشنهادهای ایجادکننده وضعیت جدید که به حمایت و کمک کردن به پناهندگان زیست محیطی می‌پردازند، دو پیشنهاد وجود دارد. در نخستین مورد از کنوانسیون منع شکنجه برای حمایت از مردمی که دلیل اصلی آوارگی آنها عوامل محیط‌زیستی می‌باشد به عنوان سند الگو استفاده می‌شود. این راهکار اصولاً برای حمایت از مردمی که نیاز به حمایت دائمی دارند طراحی نشده، بلکه جنبه موقتی است، زمانی که شرایط تهدیدکننده حیات متوقف شود، حمایت آنها هم قطع می‌شود. این وضعیت حمایت موقتی کشورها را به کاهش عدم تمایل برای حمایت از پناهندگان زیست محیطی ترغیب می‌کند. پیشنهاد دوم که ایجاد سند مستقل می‌باشد و در آن پیش‌بینی شده که پناهندگان زیست محیطی به عنوان مهاجران دائمی دیده شوند حاوی پیش‌بینی‌های درازمدت و آرمانی‌تر می‌باشد. به نظر می‌رسد با توجه به واقعیات امروزی جامعه بین‌المللی، پیشنهاد نخست احتمال بیشتری برای محقق شدن داشته باشد.

۳- تعریف پناهندگان زیست محیطی

بعضی مولفان، مشکل پناهندگان زیست محیطی را برآمده از فقدان تعریف برای این پناهندگان می‌دانند که در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگی به آن کوچک‌ترین اشاره صریحی نشده است. همین‌طور از نگاه آنان هیچ تضمینی برای کمک به پناهندگان تغییرات اقلیمی وجود ندارد. (Docherty; Giannini, 2009: 373) تغییر مکان، پاسخ طبیعی انسان به تغییرات محیطی و اقلیمی است. این واکنش نوعی سازگاری با شرایط ایجاد شده بوده و به معنی دفع خطر و افزایش تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری انسان با این تغییرات، به خصوص زمانی که برنامه‌ریزی شده است می‌باشد. برای نمونه جابجایی جمعیت از آفریقا به اروپا در اثر گرما و خشکسالی و یا از السالوادور و گواتمالا و هندوراس واقع در آمریکای مرکزی به ایالات متحده و کانادا را ذکر کرد. برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از آنست که تا سال ۲۰۵۰ تعداد پناهندگان زیست محیطی به ۵۰ میلیون نفر رسیده و برخی دیگر نیز این رقم را فراتر از ۲۰۰ میلیون نفر، تخمین زده‌اند. (Alekbajaf, 2014:997-1002) اگرچه ایده پناهندگی زیست محیطی در سال ۱۹۴۸ (Warner, 2008: 5) و سپس توسط لستر براون از موسسه دیده‌بان جهانی^۸ در ۱۹۷۰ (Black, 2001:5) مطرح گردید. اما اصطلاح پناهندگان زیست محیطی برای اولین بار در سال ۱۹۸۵ به عنوان یک گزارش در مورد خط‌مشی برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد^۹ مورد استفاده همگان قرار گرفت. (El-Hinnawi, 1985:99) به دلیل نگرانی جامعه بین‌المللی در خصوص مهاجرت‌های ناشی از عوامل مختلف زیست محیطی نهاد بین‌الدولی تغییرات آب و هوایی^{۱۰} در سال ۱۹۹۰ در اولین گزارش خود این موضوع را مورد توجه قرار داد و به این موضوع اشاره کرد که در صورت ادامه روند تخریب محیط‌زیست و در اثر تغییرات آب‌وهوایی ناشی از آن میلیون‌ها انسان بی‌خانمان گردیده و مجبور به مهاجرت خواهند شد. از آن زمان بود که در محافل دانشگاهی

^۸ World Watch Institute.^۹ United Nations Environment program (UNEP).^{۱۰} Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC).

و سیاسی این بحث مطرح گردید. (Castles, 2002: 70) به تدریج با توجه به امکان مواجهه با سیل آوارگان، مفهوم «پناهندگان موقت»^{۱۱} شکل گرفت و دولت‌ها موظف شدند حداقل برای مدتی موقت آن‌ها را مورد حمایت قرار دهند. تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا دسته‌ای جدید از پناهندگان مورد شناسایی قرار گیرند، یعنی افرادی که به علت عوامل زیست محیطی ناچارند مهاجرت کنند. (Conisbee, Simms, 2013: 98) با وجود این، تاکنون عواملی محیط‌زیستی که به پناهندگان و مهاجران زیست محیطی مرتبط شوند و به طور علمی و عملی قطعی باشند ارائه نشده و یا توسط مخالفان مورد تایید واقع نشده است. به علاوه هیچ تعریف پذیرفته شده در خصوص این که یک مهاجر یا پناهنده زیست محیطی چه ویژگی‌هایی دارد، وجود ندارد. از پناهندگان زیست محیطی، تعاریف متنوعی ارائه شده است. به نظر می‌رسد تعریف ال-هیناوی از جامعیت بیش‌تری برخوردار باشد. وی پناهندگان زیست محیطی را افرادی می‌داند که از روی اجبار، سکونتگاه خود را به طور موقت یا دائم، به علت یک اختلال زیست محیطی که حیات آن‌ها را به خطر انداخته و یا به شدت کیفیت زندگی آن‌ها را متاثر کرده است، ترک می‌کنند. (El-Hinnawi, 1985:98) اختلال زیست محیطی در این تعریف به معنای هرگونه تغییر موقت یا دائم فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیکی در اکوسیستم می‌باشد، به نحوی که حیات انسانی را تهدید نماید. (Bates, 2002: 469) برخی پژوهشگران نیز به روش دیگری پناهندگان زیست محیطی را معرفی می‌کنند:

- افرادی که به سبب اختلال‌هایی چون بهمن و یا زمین لرزه، به طور موقتی مهاجرت می‌کنند.
- افرادی که به سبب تخریب محیط‌زیست، زندگی آن‌ها دچار مشکل شده و یا خطرات غیرقابل‌قبولی بر سلامت آن‌ها وارد شده و مهاجرت می‌کنند.
- افرادی که به سبب کاهش کیفیت زمین‌ها، بیابان‌زایی و یا به علت تغییرات دائمی و غیر قابل دفاعی که در سرزمین خود با آن روبرو هستند، مهاجرت می‌کنند. (Jacobson, 1988: 98)

با عنایت به تعاریف ارائه شده، به نظر می‌رسد که پناهندگان زیست محیطی آن دسته از افرادی هستند که در اثر آلودگی‌های محیط‌زیست پیرامونی و یا تأثیرات تغییرات اقلیمی، در جستجوی شرایطی برای بقاء حیات خود و یا شرایط زیست محیطی مطلوب مجبور به ترک موطن خویش شده و از کشورشان خارج می‌شوند.

۴- تفکیک مفاهیم مشابه از پناهندگان زیست محیطی

جامعه جهانی در تشخیص واقعیت جابجایی افراد از منطقه جغرافیایی خود با عنایت به مخاطرات زیست محیطی جدی، بسیار کند عمل کرده است. یکی از دلایل این کندی، مشکل در تعریف رسمی و دسته‌بندی این جمعیت می‌باشد. با به تصویر کشیده شدن اصطلاحاتی از قبیل آواره و مهاجر برای این افراد، این نتیجه حاصل می‌شود که طبقه‌بندی‌های بسیاری از افرادی که متاثر از چالش‌های زیست محیطی جابجا می‌شوند وجود دارد، ولی هنوز کشورها در مورد یک طبقه‌بندی واحد و کارآمد به توافق نرسیده‌اند. (Black, 2001:35)

۴-۱- مهاجران زیست محیطی

فی‌نفسه هر چند بین مهاجرت و پناهندگی وجوه اشتراکی از حیث مکانی و هدف از جابجایی و حقوق متعلقه وجود دارد ولی تفاوت‌های بارزی میان آن‌ها وجود دارد که باعث می‌شود بین آن‌ها تمایز وجود داشته باشد. اصطلاح مهاجران به حرکت داوطلبانه اشاره دارد که درصدد یافتن شرایط بهتر برای زندگی هستند و لزوماً اجباری بر جابجایی ندارند و به طور کلی بر محرومان ناشی از شرایط وخیم زیست محیطی قابل‌اعمال نیست. یک فرد محروم زیست محیطی انتخاب محدودی برای زندگی در خانه خود دارد و در حقیقت زنده ماندن ضرورت جابجایی وی می‌باشد. عده‌ای از نویسندگان مایل نیستند در ادبیات خود از عنوان مهاجران زیست محیطی به عنوان افراد و یا گروهی از افراد یاد می‌کنند که به دلایل مجبورکننده‌های ناشی از تغییرات ناگهانی یا تدریجی در محیط‌زیست که تأثیری منفی بر زندگی و یا شرایط زندگی آن‌ها می‌گذارد، به صورت موقت یا دائم مجبور به ترک خانه‌های همیشگی خود می‌شوند یا با اختیار این کار را انجام می‌دهند و این جابجایی به صورت درون‌مرزی یا برون‌مرزی می‌باشد.

¹¹ Temporary Refugees.

(9: 2018; Kolmannskog) در مهاجرت، شخص متقاضی برای ورود قانونی باید از کشور میزبان موافقت اخذ نماید ولی در پناهندگی به طور کلی و به طور خاص به دلیل شرایط بغرنج زیست محیطی، حتی ممکن است فرصت کافی هم برای اخذ موافقت وجود نداشته باشد. معمولاً در مهاجرت، شخص برای بهبود شرایط و کیفیت زندگی و درآمد بهتر به کشور دیگری می‌رود و این در حالی است که پناهندگی زیست محیطی برای حفظ بقا و نجات جان خود صورت می‌گیرد. (آل کجیاف، ۱۳۹۱: ۲۰۹) به نظر می‌رسد فقدان عنصر میل و رضایت در جابجایی را بتوان وجه فارق مهم این دو دسته عنوان نمود.

۴-۲- آوارگان زیست محیطی

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد اصطلاح آوارگان زیست محیطی را نیز به کار برده است. برایان گرلیک^{۱۲} مشاور ارشد سیاسی سازمان ملل متحد، آنها را این‌طور تعریف می‌کند: «افرادی که به دلیل اینکه زندگی، معیشت و رفاه آنان در معرض خطر شدید ناشی از حوادث و فرایندهای نامطلوب زیست محیطی، اکولوژیکی و آب و هوایی قرار دارد، آواره و بی‌خانمان هستند یا برای ترک محل معمول سکونت‌شان احساس اجبار می‌کنند.» به نظر می‌رسد عبارت آوارگان زیست محیطی غالباً توسط پژوهشگرانی انتخاب و مورد استفاده قرار می‌گیرد که با مبانی استدلالی عبارت پناهندگانی زیست محیطی موافق نیستند و برای تفکیک از مهاجران و پناهندگان از آن بهره می‌برند. پر واضح است که تقسیم‌بندی و تفکیک مفاهیم خصوصاً در قلمرو علوم انسانی بیشتر طریقت دارد و از جنبه نسبی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

امروزه تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست، باعث تحول در ابعاد مختلف حقوق بین‌الملل شده‌اند که لزوم بازنگری و روزآمد کردن موازین آن را بایسته می‌کند. از جمله این تحولات، مقوله پناهندگی و عبور از دلایل سنتی آن است که در اسناد بین‌المللی مذکور افتاده است. پناهندگی زیست محیطی، عنوانی است که برای افرادی که متأثر از این مخاطرات زیست محیطی مجبور به جابجایی می‌شوند، به کار گرفته می‌شود. فقدان وجود یک راه برای وضعیت پناهندگی، حمایت از پناهندگان را به‌طور عمومی و پناهندگان زیست محیطی را به‌طور خاص، با دشواری مواجه می‌سازد. اگر یک وضعیت پناهندگی حل نشده باقی بماند، حمایت از پناهندگان به طور طبیعی کاهش یافته و یا حتی ممکن است این حمایت عملاً متوقف گردد. در کنار دکترین، اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان به‌طور تلویحی و کنوانسیون اتحادیه آفریقا در مورد جنبه‌های خاصی از مسئله پناهندگان در آفریقا مصوب ۱۹۶۹ با بسط تعریف پناهنده مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱، پناهندگان زیست محیطی را نیز ذیل چتر حمایتی خود قرار داده است. همچنین اعلامیه کارتاژینا مصوب ۱۹۸۴ اجلاس نمایندگان کشورهای آمریکای لاتین، مورد تهدید قرار گرفتن حیات و امنیت را از دلایل پناهنده شدن معرفی کرده که شامل پناهندگان زیست محیطی نیز می‌شود. ضمناً شایان ذکر است که اگر تحمیل مخاطرات زیست محیطی از طرف دولت به شهروندان بر مبنای یکی از مولفه‌های کنوانسیون ۱۹۵۱ مثل نژاد و مذهب و ملیت و عقاید سیاسی و تعلق به گروه‌های اجتماعی خاص باشد، اطلاق پناهنده زیست محیطی بر این افراد دور از ذهن نخواهد بود و صراحتاً از چتر حمایتی کنوانسیون ۱۹۵۱ برخوردار خواهند بود. رویه عرفی ناشی از آراء دادگاه‌ها مکمل ترتیبات کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان در بخش تعریف پناهنده محسوب می‌شود. با تغییر رویکرد نظام حقوق بین‌الملل در دهه‌های اخیر که با تحدید حاکمیت و ارتقاء دو ارزش حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی آشکار شد، تمام زمینه‌های حقوق بین‌الملل از جمله نظام پناهندگی تحت‌تأثیر قرار گرفت و سبب شد تا قلمرو محدود و مبهم تعریف پناهنده که با توجه به نگرانی‌های حاکمیتی در سال ۱۹۵۱ ارائه شده بود، در گستره زمان و با توسعه و نفوذ ارزش‌های حقوق بشری از وضوح بیشتری برخوردار گردد. سنجش عنصر اذیت و آزار در کنوانسیون پناهندگان با موارد نقض حقوق بشر و حقوق محیط زیست و نیز استناد به اسناد بین‌المللی حقوق بشری و زیست محیطی برای تعریف دلایل پناهندگی از قرائنی است که این امر را به خوبی نشان می‌دهد. نهایتاً این که، این ارزش‌های حقوق بشری هستند که راهنمای بنیادین دادگاه‌ها و کنشگران حقوق بین‌الملل در تعریف پناهنده و دلایل آن واقع می‌شوند و در پناه آن‌ها می‌توان پناهندگان زیست محیطی را ذیل کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان تعریف نمود و آنان را از حمایت‌های آن برخوردار کرد. تغییر مکان، پاسخ طبیعی انسان به تغییرات محیطی و اقلیمی است. این واکنش

¹² Bryan Gerlich.

نوعی سازگاری با شرایط ایجاد شده بوده و به معنی دفع خطر و افزایش تاب آوری و انعطاف پذیری انسان با این تغییرات، به خصوص زمانی که برنامه ریزی شده است می باشد. از پناهندگان زیست محیطی، تعریف های متنوعی ارائه شده است. ال- هیناوی، پناهندگان زیست محیطی را افرادی می داند که از روی اجبار، سکونتگاه خود را به طور موقت یا دائم، به علت یک اختلال زیست محیطی که حیات آن ها را به خطر انداخته و یا به شدت کیفیت زندگی آن ها را متاثر کرده است، ترک می کنند. نمونه های فراوانی از پناهندگی زیست محیطی و جابجایی های اجباری جمعیت به علت آسیب های زیست محیطی ناشی از تغییر اقلیم، وجود دارد. با توجه به آنچه در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفت پیشنهاداتی به شرح ذیل قابل ارائه است: اولاً؛ توجه جدی تر به تدابیر پیشگیرانه از وقوع پناهندگی زیست محیطی از قبیل مقوله آموزش محیط زیست و جرم انگاری تخریب محیط زیست و اعمال تشدیدکننده تغییرات آب و هوایی ضرورت اجتناب ناپذیر جامعه جهانی است. ثانیاً؛ با توجه به این که در تلاش های بین المللی در جهت مقابله با پیامدهای تغییرات آب و هوایی و نیز تخریب محیط زیست، در قیاس با آثار و پیامدهای گسترده آن کافی نبوده و از ظرفیت های حقوق بین الملل استفاده نشده است، ایجاد قواعد حقوقی و هنجارهای جهانی در مواردی که دولت های خاطی از انجام تعهدات خود سر باز می زنند امری ضروری به نظر می رسد. ثالثاً؛ حق پناهندگان زیست محیطی بر کمک های بشردوستانه و تکلیف دولت ها به مشارکت نباید نادیده انگاشته شود. همچنین نباید از نقش با اهمیت همکاری های منطقه ای در جهت عکس العمل های مناسب و فوری به مسئله پناهندگی زیست محیطی غفلت کرد. رابعاً؛ ضروری است تا جامعه جهانی با بهره مندی از ظرفیت کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد، از طریق انعقاد کنوانسیون جامع، فراگیر و الزام آور با عنایت به نظام بین المللی پناهندگی و حقوق بشر و نیز از طریق صدور قطعنامه های الزام آور، تشتت و پراکندگی درباره دسته بندی افرادی که به دلیل تغییرات آب و هوایی و دلایل زیست محیطی مجبور به جابجایی می شوند را از بین برده و از این راه گامی موثر در جهت حمایت از آن ها انجام دهد.

فهرست منابع

منابع فارسی

کتاب

- ۱- آل کجباف، حسین، (۱۳۹۱)، «بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی (۱)»، انتشارات جنگل، چاپ پنجم، تهران.
- ۲- قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۹۱)، «حقوق بشر در جهان معاصر؛ جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، دفتر دوم»، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، تهران.
- ۳- کیهان‌لو، فاطمه، (۱۳۹۰)، «پناهندگی؛ نظریه‌ها و رویه‌ها»، انتشارات جنگل، چاپ سوم، تهران.

منابع انگلیسی

الف: کتاب

- 1- Bennett, Jon; Webber, Michael, (2010), In "Climate Change and Displacement: Multidisciplinary Perspectives", Oxford, Hart Publishing.
- 2- Conisbee, M; Simms, A, (2013), "Environmental Refugees, the Case for Recognition", London, New Economics Foundation.
- 3- El-Hinnawi, E, (1985), "Environmental Refugees", first published, New York, United Nations Publications.
- 4- James, C. Hathaway, (2015), "The Rights of Refugees Under International Law", New York, Cambridge University Press.
- 5- McAdam, Jane, (2012), "Climate Change, Forced Migration, and International Law", New York, Oxford University Press.
- 6- Renaud, Fabrice; J. Bogardi, Janos; Dun, Olivia and Warner, Koko, (2007), "Control, Adapt or Flee: How to Face Environmental Migration?" UNU Institute for Environment and Human Security (UNU-EHS).

ب: مقالات

- 1- Alekajbaf, H, "The Legal Status and Causes of Environmental Refugees under International Law", Advances in Environmental Biology, Vol. 21, No.8. (2014).
- 2- Anderson, Heather; Burton, Tess; Hodgkinson, David; Young, Lucy, "The Hour When The Ship Comes In: A Convention for Persons Displaced by Climate Change", Monash University Law Review, Vol. 36 No. 1. (2010).
- 3- Arnör, Anders, "No state, no protection: exploring the legal protection for environmentally displaced persons", Retrieved from: (<http://lup.lub.lu.se/luur/download?func=downloadFile&recordId=3358901&fileId=335893>). (2013).
- 4- Bates, C. Diane, "Environmental Refugees? Classifying Human Migrations Caused by Environmental Change", Population and Environment, Vol. 23 No. 5. (2002).
- 5- Biermann, Frank; Ingrid Boas, "Protecting climate refugees: the case for a global protocol." Environment: Science and Policy for Sustainable Development, Vol.50, No. 6. (2008).
- 6- Black R, "Environmental Refugees: Myth or Reality?", Working Paper of New Issues in Refugee Research. Refugees Studies Centre in University of Oxford, No. 34. (2001).
- 7- Castles. S "Environmental Change and Forced Migration", Working Paper of New Issues in Refugee Research. Refugees Studies Center in University of Oxford, No.70. , (2002).
- 8- Cooper, B. Jessica, "Environmental Refugees: Meeting the Requirements of the Refugee Definition". New York University, Environmental Law Journal, Vol. 6, No. 2. (1998).

- 9- Docherty, B; Giannini, T, "Confronting a Rising Tide: a Proposal for a Convention on Climate Change Refugees", Harvard Environmental Law Review, Vol. 33, No. 2. (2009).
- 10- Jacobson J, "Environmental Refugees: A Yardstick of Habitability", Bulletin of Science, Technology & Society, Vol. 8, No. 3. (1998).
- 11- Junnilla, Jaana, "The Responsibility of States to Admit Refugees", In: Terje Einarsen and Astri Suhrke (eds.), Current International Refugee Law and Issues, University of Bergen. (1995).
- 12- Horne, Brooke, "What is the status of 'environmental refugees' under international and Australian law?", ANU/CLA Internship Program, Faculty of Law, Retrieved from: (<https://www.cla.asn.au/Articles/060203BrookeHome.pdf>). (2006).
- 13- Kibreab, Gaim, "Environmental causes and impact of refugee movements: a critique of the current debate", Disasters, Vol.21, No. 1. (1997).
- 14- Kolmannskog, Vikram, "The Point of No Return: Exploring Law on Cross-Boarder Displacement in the Context of Climate Change", Refugee Watch, No. 34. (2009).
- 15- Kolmannskog, Vikram Odedra, "Future Flood of Refugees: A comment on climate change, conflict and forced migration", Norwegian Refugee Council. (2018).
- 16- Mc.Adam, Jane, "Complementary protection: A Comparative Perspective", United Nations, Discussion Paper, No.2. (2005).
- 17- Myers, Norman; Jennifer Kent, "Environmental exodus: an emergent crisis in the global arena", Washington D.C, Climate Institute. (1995).
- 18- Piguat, Etienne, "Climate Change and forced migration". UNHCR Policy Development and Evaluation Service Research Paper. No.153. (2008).
- 19- Til, Nazli Dila, "How to protect and assist Environmental Displaced Persons (EDPs)", Master Thesis GDG Program in Lund University. (2010).
- 20- Warner K, "The Impact of Environmental Degradation on Migration Flows across Countries", In: Working; Bonn, United Nations. (2008).
- 21- Williams, Angela, "Turning the Tide: Recognizing Climate Change in International Law", Law & Policy, Vol. 30, No. 4. (2008).
- 22- Wyman, KM, "Responses to Climate Migration". Harvard Environmental Law Review, Vol.37, No.1. (2013).

ج: اسناد و گزارش‌های بین‌المللی

- 1- Cartagena Declaration on Refugee, (1984).
- 2- Conclusions on International Protection of Refugees Adopted by the Executive Committee of the UNHCR Programme, UNHCR, Geneva, (1980).
- 3- Convention against torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment Adopted by the General Assembly of the United Nations on 10 December, (1984).
- 4- Convention Relating to the Status of Refugees 1951 and its 1967 Protocol.
- 5- New York Declaration for Refugees and Migrants, (2016).
- 6- OAU Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problem in Africa, (1969).

د: آراء و احکام قضایی

- 1- Aus, FCA, Mohammed Matahir Ali v. Minister of Immigration, (1994).
- 2- ICJ Reports, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, (1996), Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, Part3, Sec 4:1 & para. 19.
- 3- ICJ Reports, Corfu Channel Case, United Kingdom v. Albania, British Memorial, (1949), Pleadings 18, PP. 22-25
- 4- ICJ Reports, Temple of Preah Vihear, (1962), PP. 33-35.
- 5- ICJ Reports, Certain Expenses of the United Nations, Advisory Opinion, (1962), PP.157, 160, 161& 172-175.
- 6- ICJ Reports, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), (1984), paras. 36-47.

- 7- ICJ Reports, Territorial Dispute (Libyan Arab Jamahiriya/ Chad), (1994), paras. 66-71.
- 8- ICJ Reports, Case Concerning Kasikili/ Sedudu Island, (Botswana/ Namibia), (1999), paras. 49-50.
- 9- ICJ Reports, case concerning Oil Platforms, (Islamic Republic of Iran v. United States of America), (2003), para. 158.
- 10- ICJ Reports, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, (2004), para. 158.
- 11- ICJ Reports, Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), (1997), paras.50, 53,5879,83.
- 12- ICJ Reports, North Sea Continental Shelf Cases, (1969), para. 81.